

شکار صلح



تاریخ طرح: بیستم جنوری ۲۰۱۲ (در حاشیة نشست برلین آلمان) - شهر المیر کشور هالند - طرح شماره ۴ دور دوم زیر نام "شکار صلح" توسط انجینیر محمد نذیر تنویر.

تاریخ نشر: دوم فبروی ۲۰۱۲ از طریق سایت <http://www.2afghan.com>

انگیزه این طرح: بعد از نشست برلین، موضوعگیری ها حتی برای آنانی که از نعمت سواد برخوردار نیستند نیز کاملاً روشن و قابل درک گردید! سپاهیان لشکر "بوش" و متحدین آنها که نقش کلیدی در اشغال کشور ما داشتند ضمن آنکه خمی بر ابروی شان پدید نیامد، بی شرمانه دست به توطئه جدیدی زیر نام فدرالیسم با همکاری همان اشغالگران زدند. اینکه چنین طرحی جای پای برای عملی شدن را دارد و یا خیر، ناشی از عدم آگاهی آقایون از بافت ها و ساختار های آن مناطق می باشد هر چند که ایشان خود را نمایندگان آنجا معرفی می دارند.

اما این موضوع، چیزی تازه و جدیدی نیست!

اگر ما تاریخ را دوباره ورق زنیم، چنین ائتلافی به اسم "ائتلاف شمال" توسط عین چهره ها و حتی نخبگان شان درست بیست سال قبل نیز صورت پذیرفته بود. بنده در آن زمان نیز از طریق هنر کارتون آنرا زیر سوال برده بودم که علاقه مندان می توانند در سایت بنده و یا با فشار لینک آتی آنرا ببینند .

http://www.2afghan.com/index_files/Page6100.htm

جای تعجب بر آن است که اینبار فقط با مطرح شدن آغاز پروسه صلح با نیروی های مقاومت، ایشان دست و پاچه شده عاجل و بطور وحشت زده، دست به چنین اقدامی زدند. این وحشت زده گی تنها به ائتلاف جبهه ملی و ائتلاف ملی

دپانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

افغانستان محدود نمانده، نهاد های از حقوق بشر، حقوق اقلیت ها، حقوق زن، آزادی بیان و رسانه ها و ... را نیز دربر داشت.

گردانندگان این ائتلاف ها و نهاد ها که اکثراً در کشورهای "حامی دیموکراسی" سرمایه گذاری و بود و باش دارند و شعار شان را حاکمیت دیموکراسی جلوه می دهند، آیا گاهی از همان دریچه دیموکراسی بر این قضیه اندیشیده اند که طرف کی ها هستند؟

شاید گویند که: طالبان و یا حزب اسلامی و یا مولوی جلال الدین حقانی و یا ... !

نخیر!!!

طرف فقط صلح است و بس!

زیرا هر آن کسی که در توشه اش خیانتی است از آن در هراس می باشد. یقیناً با آمدن صلح - جنگ منتفی شده و فرصت برای بازگشایی دوسیه های جنایتکاران جنگی و غاصبین دارایی های عامه بیشتر و دقیق تر میسر شده و نخستین گامی از برای تطبیق عدالت اجتماعی برداشته خواهد شد.

آیا این سوال برانگیز بوده نمی تواند که به هزار ها رسانه های خبری، که در طول این یازده سال مشغول ذهنیت سازی اند تا نیرو های مقاومت را تروریست جلوه داده و مجاهدین دوره قبلی را در چهره های کثیف چند تن از "تاجران جهادی" خلاصه نمایند چطور به یک باره گی با شنیدن خبر صلح - دست و پاچه شده و اشک تمساح می ریزند؟

تاریخ گواه خواهد بود که اشغالگران همانطوریکه حالا تن به مذاکره داده و اجیران شان را در جریان نگذاشته اند، در آینده دور و یا نزدیک اسنادی را نیز در افشای جنایات شان بدست نشر خواهند سپارید و جواب اشغالگران به اجیران شان چنان خواهد بود که شیطان در روز حشر برای دوستان اش می دهد.

بیانید حداقل از آنانکه برای ما دیموکراسی آورده اند بآموزیم تا تحمل پذیر یکدیگر خود باشیم. آیا شما در امریکا و یا اروپا فردی را به بنام زندانی سیاسی می شناسید؟ چرا زندان های ما، حتی در ولایات چندین برابر بالاتر از ظرفیت شان زندانی دارند؟ آیا این، روش اشغالگران امروزی است و یا از بازماندگان اشغالگران دیروز (خادیسست ها)؟ غربی ها با آزادی مجرمان جنایی شان زمانی که دوباره به کشور شان برمی گردند، جشن و سرور برپا داشته و از آنها همچو قهرمانان پذیرایی می دارند. اما ما از قهرمانان خود که سالیان درازی را در بدترین شکل در زندان گوانتانامو و دیگر زندان ها سپری داشته اند زمانی که حرفی از آزادی شان بر زبان می آید ناله و فغان سر می دهیم. این چه نوع تقلید از بیگانگان است؟ شاید ما افغانان چنان عادت کرده ایم که در دوره وابستگی خویش تنها به تقلید خصوصیات منفی بیگانگان بپردازیم؟

آیا این مطلب به عقل و منطق یک انسان آزاده و واقعیت گرا سازگار بوده می تواند که علت شکست ۴۸ کشور قدرتمند جهان در افغانستان را آی.اس.آی دانسته و تمام افتخارات فرزندان راستین اش را همچو گذشته ها برای دیگران منصوب بداریم؟ بدبختانه عده اند ضمن آنکه خود و کشور شانرا به بیگانگان می فروشند، افتخارات شان را نیز منصوب به دیگران می دارند. این ذهنیت سازی های آی.اس.آی نه از برای مقابله بر ضد آن است بلکه از برای آنست تا نیمه بدن زخمی ما را که در آنسوی خط تحمیلی دیورند قرار دارد، سرطانی جلوه داده تا به راحتی آنرا از بدن ما قطع نمایند.

(این مطلب در اثر قبلی بنده زیر بحث گرفته شده بود که برای دیدن آن این لنک را فشار دهید:

http://www.2afghan.com/index_files/Page2526.htm

این مطلب را بلاخره تاریخ در صفحات اش خواهد نوشت که مخالفین سرسخت کنونی آی.اس.آی. در اصل، مامورین اجیر شده این ارگان استخباراتی بوده تا بتوانند در درازمدت نیمه یی از پیکر جدا شده افغانستان را از آن دور نگه

داشته تا از یکسو اقلیت ها، خود را در اقلیت بیشتری احساس نمایند و از سوی دیگر از یک افغانستان قوی و نیرومند
جلوگیری بعمل آید - که شمه یی ازین مصداق در کنفرانس برلین تجلی یافت.

پس برماست تا از تاریخ پند بگیریم، آنهم از تاریخ نه چندان دور!

پایان